



سر مقاله

توضیح چند آیه می‌پردازد.

عزّت در زبان فارسی به: ارجمندی، سرافرازی و بزرگواری، کرامت^۱ معنی شده و متضاد «ذُلّ، ذَلّت» می‌باشد. عزّت در انسان صفتی است نزدیک به تکبر که لازم است فرق آن دو بیان شود. در تفاوت بین این دو که نخستین پسندیده و دوّمی ناپسند و مذموم است گفته‌اند: عزّت شناخت هر کس مرتبه واقعی خودش را می‌باشد، و گرامیداشت آن و قرار دادن خویشتن در جایگاهی که دارد؛ چنان که تکبر ناشی از جهل انسان به مرتبه خویشتن، و نهادن خود در مقامی برتر از دیگران می‌باشد^۲.

واژه عزّت و صفت آن عزیز در زبان عربی معنای دیگری دارد که از توضیحات زیر روشن می‌شود:

ابن منظور می‌نویسد: عزّ در اصل به معنای شدّت، قوّت و غلبه است، و عزّت، رفعت و امتناع (= منع کردن) است، و نیز به معنای قوّت و غلبه به کار رفته؛ چنان که عزیز که از صفات الهی و اسماء حسنی می‌باشد؛ یعنی توانایی که بر هر چیز غالب است^۳، و قاهر و غالبی که مَقهور

عزّت در قرآن مجید

محمد مهدی رکنی یزدی

رهبر فرزانه جمهوری اسلامی آیه الله خامنه‌ای مدظله در پیام نوروزی، سال ۱۳۸۱ را که آغاز و انجامش با دهه محرم و شهادت حضرت امام حسین علیه السلام مصادف است «سال عزت و افتخار حسینی» نامیدند، و بدین گونه روحیه ارجمندی و سرافرازی را در افکار زنده و تقویت کردند. نویسنده این رهنمود آگاهانه را انگیزه‌ای برای بررسی اجمالی «عزّت» در کلام الله قرار می‌دهد و با رعایت اختصار به معرفی و

۱ - بنگرید به: لغت نامه دهخدا که به ترتیب از: المصادر روزنی، فرهنگ نفیسی و زمخشری نقل کرده است.
۲ - سعید الخوری الشرتونی اللبانی، اقرب الموارد فی فصح العربیة و الشوارد؛ چاپ افست رُشدید، بی‌تا: عزّ.

۳ - ابن منظور، لسان العرب، نسقه وعلّق علیه علی شیری، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق؛

و مغلوب نمی شود^۱.

قدرت پیشرفته باشند در جنب علم و قدرت الهی ناتوانند، پس قابل اتکا و اعتماد نیستند، مخصوصاً که تاریخ اسلام خیانت و صمیمیت نداشتن آنها را نشان می دهد.

قرآن مجید که مبدأ و منشأ صفات حسنه را آفریدگار متعال می داند بصراحت و مکرر عزت و قدرت و غلبه را از آن «الله» شمرده می فرماید: ﴿وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (جاثیه / ۳۷): «و در آسمانها و زمین بزرگی از آن اوست، و اوست شکست ناپذیر سنجیده کار^۲».

→ بیروت: عَزَّ طبری در این باب می نویسد: اصل العزّة الشّدة و منه قيل للأرض الصّلبة الشّديدة: عزاز العزیز: القوی المنیع بخلاف الذّلیل. (فضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان لعلوم القرآن، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۱۹۳).

همچنین در آیات پایانی سوره حشر مخصوصاً آیه ۲۳ عزت و عظمت و کبریایی آفریدگار، با شکوه و بلاغتی شایسته مقام ربوبی، و وصف شده است.

۱ - راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد کیلانی، المکتبة المرتضویه.

از آن جا که انسان به طور فطری خواستار ترقی و عزت است اما برای به دست آوردنش به خطا می رود آیاتی از قرآن این حقیقت را یاد آور می شود که هر کس عزت می خواهد، بداند که توانایی و ارجمندی همه از آن خداست که علم و قدرتش جهان و جهانیان را فرا گرفته: ﴿مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا﴾ (فاطر / ۱۰).

برای ملاحظه وجه و استعمالات فعلی: اسمی، وصفی ماده عَزَّ / عَزَّوْا در قرآن بنگرید به: بهاء الدین خرمشاهی، دانشنامه قرآن، قرآن پژوهی، پاییز ۱۳۷۷، انتشارات دوستان - انتشارات ناهید، ج ۲، ص ۱۴۵۱ - ۱۴۵۳.

در سورة نساء این نکته روشنتر بیان شده: ﴿الَّذِينَ يَسْتَحْدُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ، أَلِيَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾^۳ (نساء / ۱۳۹): «همانان که غیر از مؤمنان، کافران را دوستان [خود] می گیرند، آیا سر بلندی را نزد آنان می جویند؟ [این خیالی خام است] چرا که عزت، همه از آن خداست».

۲ - قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تحقیق و نشر دار القرآن الکریم، ۱۳۷۶.

بدیهی است که عزت و برتری از علم و قدرت مایه می گیرد و کافران هر قدر در علم و

یاد آور می شود ترجمه سایر آیات نیز از همین قرآن و مترجم است.

۳ - ابوالفتوح در تفسیر آیه مذکور می نویسد: «این منافقان طلب عزت و منعت از کافران می کنند، نمی دانند که عزت و غلبه و منعت جمله خدای راست. و اصل کلمه [عزّت] از شدت و صلابت است، و أرض عزاز ای صلبه، و عزّ علوّ کذا ای صعّب... و آنچه نایافت باشد هم برای این عزیز خوانند آن را، برای آن که بر طالش دشخوار و سخت باشد.» (روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، حسین بن علی الخزاعی النیشابوری، تصحیح دکتر محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ج ۶، ص ۱۵۵).

تعدادی از آیات هم نصرت و پیروزی بر کافران را با تأکید از خدای توانای عزتمند معرفی می‌کند و اینک دو نمونه: ﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (حج / ۴۰): «و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند یاری می‌دهد، چرا که خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است».

﴿كَتَبَ اللَّهُ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَرُسُلِهِمْ أَنْ يَتَّخِذُوا لِلدُّنْيَا حِطًّا وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (مجادله / ۲۱): «خدا مقرر کرده است که: حتماً من و فرستادگانم چیره خواهیم گردید. آری خدا نیرومند شکست‌ناپذیر است».

اصولاً در بینش قرآن مسلمان عقیده‌مند - و طبعاً جامعه اسلامی - عزت و شرف خود را در پرتو عزت خداوند جهان و جهانیان کسب می‌کند و این متفرع بر اصل توحید است که ریشه در همه تعلیمات اسلامی دارد: ﴿يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنَهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (منافقون / ۸): «می‌گویند: اگر به مدینه برگردیم قطعاً آن که عزتمندتر است آن زبون‌تر را از آن جا بیرون خواهد کرد، ولی عزت از آن خدا و آن پیامبر او و از آن مؤمنان است، لیکن این دورویان نمی‌دانند».

و بالاخره در آیه ذیل قرآن چگونگی رویارویی و رفتار مؤمنان - و طبعاً حکومت اسلامی - را بین خود و با کافران معین می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

أَعَزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ...﴾ (مائده / ۵۴): «ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر کس از شما از دین خود برگردد بزودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان قروتن [و] بر کافران سرافرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند...»

با مروری دوباره به آیات نقل شده آشکارا می‌بینیم:

۱- «عزت» در کاربرد قرآنی بیشتر از آن که به عنوان یکی از صفات پسنیدیده فردی مطرح باشد، بُعد اجتماعی و سیاسی دارد.

۲- حکومت اسلامی و مدیران آن باید چنان برنامه ریزی و عمل کنند که همیشه حیثیت اجتماعی و عزت و شرافت مسلمانان محفوظ ماند.

۳- مسلمانان عزت و سرافرازی خود را از اطاعت خداوند متعال و پیروی از سنت نبوی و سیره علوی و تعلیمات ائمه معصومین علیهم‌السلام به دست می‌آورند.

۴- قرآن مجید عزت و قدرت را که توأم با تحقیر فرد یا جامعه اسلامی در برابر کافران سُلطه‌جو و استیلاطلب باشد مردود می‌شمرد، و از دوستی و صمیمیت با آنان نهی می‌کند و دشمنی نهان آنان را آشکار می‌نماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ

خَبَالًا، وَدَوَا مَاعَيْتُمْ قَدْ بَدَّتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُحْفَى صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١١٨﴾ (آل عمران / ۱۱۸): «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از غیر خودتان [دوست و] همراز مگیرید. [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند. آرزو دارند که در رنج بیفتید. دشمنی از لحن و سخنشان آشکار است، و آنچه سینه‌هایشان نهان می‌دارد بزرگتر است. در حقیقت ما نشانه‌های [دشمنی آنان] را برای شما بیان کردیم اگر تعقل کنید.»

این آیات انداز و هشدار است برای مسلمانان که هیچ‌گاه سرافرازی و عزت خود را - حتی در امور مادی و سیاسی - در اتکا و امید به کافران که دشمن اسلام و مسلمانان هستند نجویند؛ زیرا رفتارشان در طول تاریخ نشان داده که تنها به سود خود می‌اندیشند و برای ما دلسوزی و خیرخواهی ندارند. بدیهی است مقصود ردّ داد و ستد یا بهره‌گیری علمی و فنی از آنان نیست، بلکه ردّ دوستی صمیمانه و مراوده خصوصی است یا گفت و گویی که آنان از موضع قدرت و تفوق سخن گویند و بخواهند نظر خود را تحمیل کنند، که این همه با عزت کشور اسلامی و مناعت طبع مسلمانان و تعلیمات قرآن سازگار نیست.

* * *

مجله مشکوة در نظر دارد به مناسبت سال عزّت و افتخار حسینی شماره زمستان خود را

ویژه این موضوع نماید. نظر به کتابها، مقاله‌ها و حتی کتاب‌شناسی‌های زیادی که درباره امام حسین علیه السلام فراهم آمده^۲، انتظار است برای پرهیز از کارهای تکراری و موازی در مقاله‌های ارسالی به مقوله‌هایی پرداخته شود که کمتر به آن اهتمام شده است. بدیهی است ارجمندی، گرانقدری و کارایی این ویژه‌نامه مرهون عنایت پژوهشگران و صاحبان قلم خواهد بود.

□

۱- میبیدی در تفسیر این آیه می‌نویسد: معنی «بیطانه» خاصه است؛ بطانی هر کس آن کس است که با وی آرام دل دارد و آمیختن نهانی. آن از بطانه گرفته‌اند آستر جامه که هم پوست بود با مردم... ﴿لَا يَأْتُونَكَ خَبَالًا﴾؛ ای لا يُقَصِّرُونَ فِي بَذْلِ الْخَبَالِ لَكُمْ.

و «خَبَال» فساد بود نهانی، و خَبَل فساد عقل است. و عَنَت تباهی است ورنجوری و خطر هلاک. (ابوالفضل رشید الدین المیبیدی، کشف الاسرار و عُدَّة الأبرار، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران ۱۳۳۸ش؛ ج ۲، ص ۲۵۵).

۲- آقای محمد اسفندیاری در مجله کتابهای اسلامی، سال اول، شماره سوم، زمستان ۱۳۷۹، در مقاله «کتاب‌شناسی کتاب‌شناسی‌های امام حسین علیه السلام» بیش از چهل کتاب‌شناسی معرفی می‌کند. تنها در یکی از کتاب‌شناسی‌ها که از آن عبد الجبار رفاعی است، تعداد ۳۲۱۵ کتاب و مقاله احصا شده است.